

مأخذ ابیات عربی مرزبان نامه

- ۱۲ - *

و تقاسم الناس المسرّة بینهم قسما فكأن أجّلهم حظاً أنا (ص ۱۸۱)
ترجمه - و بخش کردند میان خود مردمان شادی را بخش کردنی (یا : به بخش‌هایی
- اگر بکسر قاف خوانده شود) پس آنکه از ایشان در بهره بزرگتر و برتر بود من بودم .
از قصیده ایست از ابی القاسم غانم بن ابی العلاء اصفهانی از شاعران مداح
صاحب بن عبّاد که ثعالبی آنرا در (بیتیمه ۳/۱۴۷ و ایجاز و اعجاز ۵۸) بضمیمه بیت
دیگری بدین شرح آورده است :

ورد البشیر بما أقرّ الاعینا وشفی النفوس فدلن غایات المنی
و چنین مینماید که بیت اول مطلع قصیده باشد . صاحب (التوسل الی
الترسل) نیز همین دو بیت را بدون انتساب آورده است (۲۶۶) .

☆ * ☆

مغانی الشعب طیباً فی المغانی بمنزلة الربیع من الزّمان
ملاعب جنة لوسار فیها سلیمان لساّر بترجمان (ص ۱۸۲)
ترجمه - منزلگاههای دره (بوان فارس) از خوبی و خوشی درمیان دیگر منزلگاهها
همانند (فصل) بهار روزگار است . (آنجا) بازی گاه پریانست که اگر سلیمان (که زبان
مرغان را هم میدانست) بدانجا میرفت با گزارنده (مترجم) میرفت .
مطلع و بیت ثانی قصیده غزّاء متنبّی در مدح عضدالدوله دیلمی است
(دیوان ۴۶۲) .

* - مدتی این مثنوی تأخیر شد . و این تأخیر از غفلت مجله است ، هر چند قصود
مؤلف محترم را هم نادیده نباید شمرد ! به علاقمندان مژده می‌دهیم که این رساله جداگانه
هم چاپ خواهد شد . مجله یفما



تمسى السحاب على اطوارها فرقا و يصبح الثبت فى صحرائها بددا
 فلست تبصر الا واكفا خلا او يافعا خضرا او طائرا غردا (ص ۱۸۳)
 ترجمه - شبانگاه ابرها بر کوهسارانش پاره پاره است و بامدادان سبزه در بیابانش
 دسته دسته، پس نبینی مگر باران ریزان (یا مجازا : انبوه درختان یا گلهای آبدار و تر و
 تازه) یا تپه‌ای سبز و خرم یا پرندۀ نواخوان خوش آوا (در ترجمه تمسی و تصحیح مسامحتی
 منظور شده است) .

از مقطوعه‌ایست از «بحتری» در مدح متوکل و وصف دمشق . در ضبط
 بعضی کلمات میان مرزبان نامه و دیوان اندک اختلافی است از جمله در دیوان بجای
 (یافعا) که بی شک انسب و ارجح است (یا نعا) ضبط شده است . (دیوان ص ۱۱)



أعد ذکر نعمان لنا ان ذکره هو الماك ما كرتنه يتصوّع
 فان قر قلبی فاتهمه و قل له بمن أنت بعد العامریة مولع (ص ۱۸۳)
 ترجمه - یاد درۀ «نعمان» را برای ما از سر گیر که یاد کردن آن (چون) مشک است
 که هر چند (بوییدن) آنرا مکرر کنی از آن بوی خوش بردم . پس اگر (با یاد آن) دلم
 آرام گرفت بر آن تهمت بی وفایی زن و با او بگویی که پس از آن بانوی عامری (منسوب بقبیله
 بنی عامر = قبیله مجنون و لیلی) شیدا و شیفته کیستی ؟

این دو بیت از قصیده‌ایست از «مهیار دیلمی» رضوان الله علیه شاعر شهیر
 ایرانی قرن پنجم و از مفاخر ادبی شیعه و یکی از بلیغ ترین شاعران عرب که
 علو مکانت ادبی او مستغنی از هر بیانست .

خوانندگان فاضل بیاد دارند که بیت اول شاهد مشهور نجات است برای
 جواز صرف غیر مصرف در حال ضرورت شعری و قرائت بعضی غیر مطلع که نعمان را
 بضم نون خوانده و آنرا نام شخص دانسته و بعضا نیز آنرا متوجه و منصرف به امام
 اعظم رحمه الله کرده اند . بکلی نادرست است . و نعمان بفتح نون نام امکنه و اودیه
 متعددی است که تعدادی از آنرا در (معجم البلدان) و (معجم ما استعجم) آورده اند
 و از آن جمله است وادی (نعمان الاراک) در میان راه مکه مشرفه معظمه زاده الله
 شرفا و تعظیما به طائف، که ذکر آن مکرر در اشعار آمده است . ناگفته

نماند که مصرع اول دردیوان بصورت : اعد ذکر نعمان أعد ان ذکره من الطيب
آمده است .

* ☆ *

علی کاسمه أبدا علی و عیسیٰ شامل و تح دنی
هما نمران من شجر و لکن علی مدرک و أخوه نبی (ص ۱۸۳)
ترجمه - «علی» چون نامش همواره بلند مرتبه و والا است و «عیسی» گمنام فرومایه
پست است ، آن هر دو میوه‌های یک درختند ولی علی پخته و رسیده است و برادرش خام و
نارس است .

این دوبیت از ابوالفتح حسن بن ابراهیم بن عبدالله صیمری نحوی است در
مدح شیخ الدوله علی بن محمد بر کردری و ذم برادر او عیسی بن محمد ، و برای
اطلاع از تفصیل داستان مراجعه فرمایند به (دمیه القصر باخرزی ص ۸۶) و
(معجم الالقاب ابن الفوطی ص ۹۰۴) با توضیح براینکه ضبط دمیه بجای «و تح»
وسخ است .

* ☆ *

والدر یقطعه جفاء الحالب (ص ۱۸۶)

ترجمه - شیررایدی و درشتی دوشنده خشک میکند (بعلت انصراف لغت بریدن درشیر
بمعنای فاسد شدن آن (و نه معنای قطع) لذا «یقطعه» را بناچار خشک میکند ترجمه کرد) .

مصرع اخیر بیتی است از (بشار بن برد) و تمام آن چنین است :

واذا جفوت قطعت عنك منافعی والدر یقطعه جفاء الحالب

خالدیان در مختاراتی که از شعر بشار فراهم آورده اند مصرع اول این بیت را
بصورت : (أحسن صحابتنا ولانك جافیا) ضبط کرده اند ص ۴۵ . باری این بیت از
قصیده ایست در نسیب و تشبیب به «حمده» و شارح فاضل دیوان بشار میگوید که
صاحب (لباب العباب) بیت مانحن فیه را سهواً به (ابن رومی) نسبت داده است .
والله اعلم . (دیوان ۱۶۶)

* ☆ *

صبت علی مصائب لوأنها صبت علی الايام صرن لیالیا (ص ۱۸۷)

ترجمه - ریخت بر من مصیبت‌هایی که اگر آن بروزها میریخت شب میگردیدند .

۱- مرزبانی در (معجم الشعراء) در شرح احوال (ابومنصور باخرزی) گوید:

... محمد بن ابراهیم من اهل خراسان نزل بغداد وکان یتشیع و عمی فی

آخر عمره ... و هو القائل : صبت علیّ مصائب لوانها ...

۲- در بسیاری از کتب عامه و خاصه این بیت را بضمیمهٔ ابیاتی دیگر به

حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نسبت داده‌اند که در رثاء حضرت

ختمی مرتبت صلی الله علیه و سلم فرموده است و آن ابیات مبدؤ باین بیت است که :

ماذاعلی من شتم تریبة احمد أن لایشتم مدی الزمان غوالیا

ولی علاوه بر تصریح مرزبانی بشرح سابق الذکر (آمدی) در (موازنه)

نیز گوید :

... وتمثلت فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و سلم عند وفاته علیه السلام

فیما روی عنها ولا اعلم صحته : صبت علیّ مصائب ... الخ ... ومثله قول الطائی :

عادت له ایامه مسوذة حتی توهّم أنّهنّ لیالی

که ازین عبارت چنین استنباط میشود که اگر بیت ما نحن فیه از (باخرزی)

نباشد از حضرت زهرا سلام الله علیها نیز نیست و فقط آن مخدّره بدان تمثیل جسته

است . والله اعلم . وخوانندگان فاضل استحضار دارند که بیت از شواهد نجات است

ایضاً برای جواز صرف غیر منصرف .

* ☆ *

ونفس باعقاب الخطوب بصیرة لها من طلاع الغیب حاد و قائد

اذا میزت بین الامور وأبصرت مصابرها هانت علیه الشدائد (ص ۱۸)

ترجمه - و (اودارای) دلی (است) که به پایان کارها بیناست و برای آن دل در انبوه

(امور) پنهانی رهبر و پیشرو آگاهی است که چون کارها را از هم جدا کند و آینده‌های آنرا

نیکو بنگرد سختی‌ها بر او آسان گردد .

از قصیدهٔ طغرائی است که سابقاً هم ابیاتی از آن در ص ۲۸ بشاهد آمده بود .

* ☆ *

الجدّ انهض بالفتی من جدّه فانهض بجدّ فی الحوادث اودع (ص ۱۸۸)

ترجمه - بخت و بهره آسمانی بیش از سخت کوشی برانگیزاننده (جو انمرداست پس در پیش آمدها به (كمك) بخت و اقبال برپای خیز و یا (یکسره) رهاکن ترك آن کارکن و آنرا واگذار) .

ظاهراً (وراونینی) کلمه قافیه این بیت را که در اصل (ذر) بوده است بمناسبت مترادف در معنی و تشابه در وزن به (دع) تغییر داده است باری این بیت از مقطوعه ایست که با اختلافی جزئی (بحتری) در حماسه و صاحب مجموعه المعانی آنرا به (عبدالله بن یزید هلالی) نسبت داده اند و ابو هلال عسکری نیز آنرا بدون ذکر نام گوینده در دیوان المعانی آورده است و اینک آن مقطوعه بتلفیق از این سه کتاب :

الجدّ انهض بالفتی من جدّه	فانهض بجدّ فی الحوادث اوذر
ما اقرب الاشیاء حین یسوقها	قدروا بعدها اذا لم یقدر
و اذا تمسّرت الامور فأرجها	و استأنف الامر الذی لم یعسر

و بدیهیست که مضمون و مؤدای این ابیات صد درصد مطابق با واقع نیست و ظاهراً این ابیات در حدّ قول حکیمانه عمرو بن معدی کرب است که :

اذا لم تستطع شیئاً فدعه و جاوزه الی ما تستطيع

و نهی است از سخت کوشی و لجاج در امور و خواهی عزیز ما این مضمون را قطعاً بهتر گفته است که :

گفت آسان گیر بر خود کارها کز روی طبع

سخت میگیرد جهان بر مردمان سخت کوش

و ناگفته نماند که (یاقوت) در بیان احوال (لغده) اصفهانی گوید که حسن بن حمزه اصفهانی در کتاب تاریخ اصفهان خود اشعاری از لغده آورده است که از آن جمله این ابیات است و سپس سه بیت فوق الذکر را بضمیمه دو بیت دیگر با تقدیم و تأخیر در ترتیب مذکور نقل میکند و ظاهراً (لغده) این ابیات را تضمین کرده باشد زیرا با وجود مدرک موثقی چون حماسه بحتری اقوال دیگر بنظر ضعیف مینماید والله اعلم .